



۲.....	مقدمه
۲.....	توضیح اصطلاح حمل اولی و حمل شایع
۲.....	دیدگاه مرحوم اصفهانی در متعلق حکم
۳.....	نظر نهایی مرحوم اصفهانی



بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

در بحث امتناع، مرحوم صاحب کفایه چهار مقدمه را مطرح کردند: مقدمه اول تضاد احکام است که مضاده در همه مراتب و یا در اکثر مراتب حکم، تام بود. مقدمه دوم این بود که متعلق احکام، اسماء و عناوین و وجود ذهنی نیست. چراکه عناوین ذهنی آله للحاظ متعلقاتها، بنابراین متعلق حکم، فعل مکلف است.

توضیح اصطلاح حمل اولی و حمل شایع

در تقریرات مرحوم اصفهانی حمل اولی و حمل شایع، دو اصطلاح دارند و گاهی به جای هم به کار می‌روند و موجب خلط می‌شوند.

الف- گاهی مقصود از حمل اولی، مفهوم بما هو هو با قطع نظر از وجود است. یعنی مفهوم انسان بما هو هو با قطع نظر از وجود ذهنی یا وجود خارجی انسان است. و انسان به حمل شایع، یعنی انسانی که با قید وجود است که در این صورت، حمل شایع دو مصداق دارد. اول وجود ذهنی انسان و دوم انسان خارجی است. در این اصطلاح، حمل شایع دایره وسیع‌تری دارد. یعنی مفهوم با قید وجود، اعم از وجود ذهنی و وجود خارجی است.

ب- حمل شایع یعنی مفهومی که وجود خارجی دارد نه مطلق وجود. و در مقابل آن حمل اولی است که هر آنچه در ذهن است اعم از اینکه بما هو هو باشد و یا بما أنه موجود ذهنی باشد. که در این اصطلاح، حمل اولی عام‌تر می‌شود. لذا گاهی مفهوم موجود در ذهن، تعبیر به حمل شایع می‌کنند و گاهی تعبیر به حمل اولی می‌کنند.

دیدگاه مرحوم اصفهانی در متعلق حکم

مرحوم آخوند می‌گوید: متعلق احکام، خارج است و ذهن نیست که اگر در ذهن باشد، با این مفاهیمی که در ذهن است، این وجودات جدا هستند.

مرحوم اصفهانی می‌فرماید: این فرمایش صاحب کفایه، معقول نیست. و در چند نکته که در طول هم هستند می‌توان قول ایشان را بیان کرد.

الف- وجود خارجی نمی‌تواند متعلق احکام خمس باشد. چراکه احکام خمس وجودات ذهنی و اعتباری دارند. و در عالم ذهن و اعتبار معتبر ایجاد می‌شوند. به یک معنا وجود ذهنی دارند و به یک معنا وجود اعتباری دارند. و آنچه در خارج است نمی‌تواند معروض این امور ذهنی باشد.

در جواب این اشکال ممکن است گفته شود که وجود ذهنی یک نوع وجود اعتباری است. و اشکال ندارد اعتبار، قائم به خارج شود. یعنی اعتبار، تحت اختیار معتبر است، و معتبر آن را برچسب و عنوانی برای امر خارجی جعل می‌کند. که جواب این اشکال در مقدمه دوم بیان شده است.



ب- جعل و اعتبار حکم، یا قبل از وجود امر خارجی است و یا بعد از وجود آن است. اگر بعد از وجود آن باشد، با موجود شدن امر خارجی، به تکلیف عمل شده است و بعث و زجر توسط ایجاد حکم، تحصیل حاصل است. و اگر قبل از وجود امر خارجی باشد، اعتبار نمی‌تواند متعلق به امر به معدوم باشد.

ج- نکته سوم ناظر به فرض دیگری است. که ادعا شود که بعث و زجر و اعتبار، متعلق به امر ذهنی و یا امر خارجی نیست. بلکه متعلق به ایجاد این امر است. یعنی به مصدر تعلق گرفته است.

ایشان می‌فرماید الایجاد والوجود متحدان خارجاً و مختلفان اعتباراً در فلسفه گفته شده است که وقتی علت تامه، معلولی را ایجاد می‌کند، ایجاد، همان وجود است. یعنی اوجد فوجد. لذا این دو ترتب خارجی ندارند بلکه ترتب تحلیلی دارند. و این اشکال مستشکل، تحلیل‌های ذهنی است ولی در خارج ایجاد و وجود، همه با هم هستند.

نظر نهایی مرحوم اصفهانی

ایشان می‌فرماید: حکم یا بعث و زجر، متعلق به وجودات ذهنی است. ولی نه بما هو عنوان ذهنی بلکه از این جهت که عناوین، فانی در خارج هستند و مرآت برای خارج به حساب می‌آیند، می‌توانند متعلق حکم قرار بگیرند.

لذا عناوین، متعلق بالذات احکام نیستند. بلکه متعلق بالعرض آنها هستند. یعنی مجازاً حکم را به خارج نسبت می‌دهیم والا فی الواقع، عناوینی در عالم ذهن است، متعلق حکم هستند. ولی چون حیث مرآت دارند، بالعرض و المجاز می‌توان به خارج نسبت داد.